

آذرکیوانیان؛ تاریخ‌سازی و بازآفرینی تاریخی

هادی وکیلی^۱

علی باغدار دلگشا^۲

چکیده

این پژوهش در تلاش است تا به بررسی افکار و اندیشه‌های آذرکیوان، پیروان او و متون دساتیری بپردازد. خاستگاه زمانی آذرکیوانیان قرون دهم و یازدهم هجری قمری^۱ دوره صفویه- می‌باشد و بیشترین اقتباس از تاریخ‌نگاری آن‌ها مربوط به تاریخ‌نگاری دوره قاجار است. اهمیت موضوع مورد بحث نیز در نوع افکار و اندیشه- های آذرکیوان و پیروان او است؛ گروهی که با تلفیق عقاید زرتشتی، اسلامی و بودایی با اندیشه‌های فلسفی اشراقی و بودایی در پی ایجاد رویکردهای دگراندیشانه بوده و با تاریخ‌سازی و داخل کردن رویکردهای فرا روایتی از اساطیر، اشخاص و وقایع تاریخی ایران، زمانه‌ای فرای روایت‌های تاریخی برای گذشته ایران بازپردازی کرده بودند. پژوهش حاضر به روش توصیفی^۲ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده و شاخص بررسی خود را بر روی متون دساتیری قرار داده است. این نوشتار به این نتیجه رسیده است که آذرکیوانیان با آن که از دامان زرتشتیان برخاسته‌اند اما به دلیل پردازش‌های فکری و بازآفرینی‌های اعتقادی، نگرشی متفاوت با زرتشتیان داشته و مورد قبول آن‌ها قرار نگرفته‌اند. دیگر آن که بر اساس گزارش‌سازی‌های آذرکیوانیان بسیاری از اخبار و مواردی را که آنان در خصوص روابط اجتماعی خود با دیگر گروه‌های اجتماعی مطرح کرده‌اند به دلیل یک سوویه بودن باید مورد تردید قرار داد.

واژه‌های کلیدی: آذرکیوانیان، متون دساتیری، تاریخ‌سازی، بازآفرینی تاریخی، تاریخ‌نگاری دوره قاجار.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه فردوسی مشهد Vakili@um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
Ali.b.delgosha@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۰۳



مقدمه

دوره صفوی در سیر تحولات فکری و فرهنگی به عنوان دوره‌ای شاخص مورد توجه قرار می‌گیرد. هم زمان با قدرت صفویه در ایران نیز در حدود اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم قدرت گیری بابریان در هند و رواج آزادی‌های مذهبی باعث می‌گردد آذرکیوان به عنوان شخصی زرتشتی و ایرانی‌الاصل^۱ از اهالی فارس - که دارای عقاید و تفکراتی تلفیقی و خاص بود از ایران به هند مهاجرت کند. آذرکیوان و آذرکیوانیان یا آذریان که نامی خاص برای پیروان او می‌باشد در هند به رواج و گسترش عقاید خود مشغول شدند؛ عقایدی که تلفیقی از تفکرات زرتشتی، بودایی و اسلامی به همراه رویکردهای فلسفی بود. آنان از فرصت آزادی مذهبی در هند استفاده کرده و متون خود با عنوان دساتیر را به رشته تحریر در می‌آوردند.

طرح مسأله

پرسش اصلی در پژوهش حاضر این است که نخستین بازپردازی‌ها در خصوص تاریخ ایران در چه زمانی و توسط چه گروهی صورت پذیرفت؟ آذرکیوانیان به عنوان گروهی تاریخ‌ساز در دوره صفویه با استفاده از کدام رویکردها، به تاریخ‌سازی پرداختند؟

فرضیات مقاله پیش رو نیز عبارت‌اند از این که:

۱. نخستین توجه به تاریخ ایران باستان در قالب شبه اسلامی در متون قرون دوم و سوم هجری قمری رخ داده است و اولین بازپردازی تاریخ ایران در دوره صفویه صورت پذیرفته است.

۲. آذرکیوانیان به عنوان نخستین گروه تاریخ‌ساز، با استفاده از نگرش‌های زمانه‌پردازی، شخصیت‌پردازی و بازآفرینی تاریخی به دگرگونی در روایت‌های تاریخ ایران باستان پرداخته‌اند.

چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر برای تحلیل تاریخ‌نگاری آذریوانیان از اصطلاحاتی چون تاریخ‌سازی، بازآفرینی تاریخی، فراروایت‌های تاریخی، زمانه‌پردازی و شخصیت‌پردازی استفاده شده که باید به تعریف هر یک اشاره شود. منظور از فراروایت‌های تاریخی، تاریخ جعلی و طرح نوعی از تاریخ می‌باشد که وقایع رخ داده در آن دارای رویکردهای لاهوتی و تخیلی است. تاریخ‌سازی نیز ساختن تاریخ فرا روایتی و جعلی است که تا پیش از به کارگیری‌اش، ذکری از آن در منابع نبوده است. بازآفرینی تاریخی نیز به معنای آفرینش مجدد و پردازش روایتی تاریخی که نقطه گاه آن حقیقت و روایت تاریخی است و با اتخاذ شیوه پردازشی بدل به فرا روایت می‌گردد؛ می‌باشد. همچنین تفاوت تاریخ‌سازی و بازآفرینی تاریخی با تاریخ‌نگاری در این امر است که در تاریخ‌نگاری روایت تاریخی با رویکرد انتقادی مد نظر است و تاریخ‌سازی جایگاهی در تاریخ‌نگاری ندارد. زمانه‌پردازی و شخصیت‌پردازی نیز ارتباط نزدیکی با فراروایت تاریخی و تاریخ‌سازی دارد؛ در زمانه‌پردازی، زمانه‌های غیر حقیقی به متن تاریخ افزوده می‌شود و در شخصیت‌پردازی نیز اشخاص تاریخی با نگرشی فراروایتی دچار دگرگونی جایگاه در تاریخ می‌شوند. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آذریان در آثار خود از یک سو روی به تاریخ‌سازی و زمانه‌پردازی آورده و برای پیشینه هویتی ایران، از سلسله‌هایی مانند آبادیان، آجامیان و گلشائیان که تا پیش از آنان در هیچ متن تاریخی نامی از آنان نیامده بود، استفاده می‌کردند و از دیگر سو با بازپردازی شخصیت‌هایی چون اسکندر و معرفی او به عنوان یکی از پیامبران الهی که دارای نامه آسمانی است یا اندیشه‌های اندیشه‌گرانی چون سهروردی، نوعی بازپردازی و بازآفرینی تاریخی را در دستور کار خود قرار می‌دادند.



منبع شناسی و پیشینه پژوهش

منبع شناسی این مقاله، اختصاص به بررسی متون دساتیری و برخی نسخ خطی آنها دارد. در این مقاله، دبستان المذاهب: نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی ۲۸۴؛ دساتیر آسمانی: نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی ۷۴۷۴ و آیین هوشنگ: نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی: ۲۶۵/۷۷ که تلفیقی از چند رساله دساتیری با نام‌های خویشتاب، زردشت افشار، زایده رود و زوره می‌باشد مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین برخی دیگر از متون دساتیری مانند شارستان چهارچمن: نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی: ۵۷۹۳، گلشن فرهنگ: نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی: ۱۶-۱۰۳۳ و فرارستان به عنوان متنی تأثیر پذیرفته از تاریخ‌نگاری دساتیری، نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره بازیابی: ۲۱۰۴ برای رسیدن به نتیجه‌ای مناسب‌تر مورد تحلیل کلی قرار گرفته است.

در مورد پیشینه پژوهش نیز باید اشاره داشت تاکنون آثار و مقالات متعدد، با دیدگاه‌های تبیینی در خصوص آذرکیوانیان و متون دساتیری به نگارش درآمده است که این پژوهش به برخی از آنان با نگاهی انتقادی نگریسته است. این منابع عبارت‌اند از:

اسلام ایرانی از هانری کربن. در این کتاب به ذکر توضیحاتی در مورد آذرکیوان و متون دساتیری پرداخته شده است. کربن در کتاب خود آن‌جا که از نبوت و امامت سخن می‌گوید و مبحث ازلی بودن نبوت پیامبر اسلام را در قالب "حقیقت محمدیه" مطرح می‌سازد، به وجود تفکر ازلی بودن رسالت در میان آذرکیوانیان و "مؤلف دبستان المذاهب" اشاره دارد. (۱۳۹۱: ۵۷۶/۱) او در جلد دوم کتاب خود به ذکر داده‌های بیشتری در مورد آذرکیوانیان و تفکرات آن‌ها پرداخته است. کربن مطالعه

آثار دساتیری را "برای شناخت اعقاب اشراقی شیخ اشراق" با اهمیت دانسته (همان: ۵۳۱/۲) و در تلاش است تا از نظر گفتمانی میان آن چه در کتاب دبستان المذاهب در خصوص "گروه اشراقیون" آمده با آن چه در تفکرات سهروردی بوده است، رابطهٔ اقتباسی برقرار کند (همان: ۵۳۱)؛ حال آن که به نظر می‌رسد در خصوص اقتباس‌های آذریان از اندیشه‌های سهروردی باید استفاده از نگرش بازآفرینی متنی و بازپردازی را به کار برد. کربن با رویکردی انتقادی، انتساب زمانی نگارندهٔ دبستان المذاهب به دورهٔ خسرو پرویز را زمان‌پردازی دانسته و آن را امری "محال" معرفی می‌کند. (همان: ۵۳۲) در مجموع در مورد نگاه کربن به متون دساتیری و تفکرات آذریواییان باید اشاره داشت که او در تلاش برای جستن هر گونهٔ تأویلی در مورد برقراری ارتباط میان تفکرات آذریواییان با اندیشه‌های سهروردی است. همچنین مقالهٔ Zar " Kayv n از همان نگارنده که در آن به نسب نامهٔ آذریواییان و پیوند او با شاهان ایران باستان و انوشیروان اشاره شده و از کتاب‌هایی چون دساتیر و دبستان المذاهب نیز سخن گفته شده است. (۱۹۸۹: ۶-۱۸۵)

در برخی مقالات نیز مسألهٔ تاریخ‌نگاری آذریان به صورت انتقادی مورد تحلیل قرار گرفته است، مانند: مقالهٔ "تبار شناسی جریان‌های فرهنگی در ایران معاصر" از محمدعلی اکبری و رضا بیگلرلو. در این مقاله، آذریواییان به عنوان گروهی شناخته شده‌اند که جریان فرهنگی باستان‌گرا در دورهٔ معاصر از آن‌ها بهره برده است. (۱۳۸۹: ۲۴) از دید نگارندگان، آذریواییان "با بسیاری از حکما و فلاسفهٔ عهد صفوی حشر و نشر داشته و از آنها بهره برده‌اند" (همان)؛ درج این مطلب در متون دساتیری و عدم ذکر آن در متون طرف مقابل باید مورد تردید قرار گیرد. در مقالهٔ مذکور به تبلیغات فکری آذریواییان در ایران پس از سقوط صفویه اشاره شده است (همان). نمونهٔ دیگر "روایت و فراروایت تاریخی در اندیشهٔ جلال‌الدین میرزا" از حسین



آبادیان است. مقاله مذکور هر چند اختصاص به تاریخنگاری جلال‌الدین میرزا پسر فتحعلی‌شاه دارد اما در بخش تأثیرگذاری متون دساتیری بر تاریخنگاری روشنفکران مشروطه به آذرکیوان و متون دساتیری اشاره شده است. آبادیان در این مقاله اشاره دارد متون دساتیری، متونی هستند که در آن‌ها افسانه بر واقعیت تقدم یافته است (۱۳۸۷: ۱۵)؛ همچنین نگارنده اصطلاح مکتب نو زرتشتی به معنای پابندی آذریان به تفکرات زرتشتی‌گری را برای معرفی پیروان آذرکیوان به کار برده است. (۱۳۸۷: ۱۶) به نظر می‌رسد در مورد به کارگیری اصطلاح مکتب برای آذریان باید احتیاط کرد و اصطلاح نو زرتشتی را در معنی تأکید بر خاستگاه اولیه آنان به کار برد زیرا پس از پردازش‌های اعتقادی به دلیل تضاد عقاید آنان با عقاید رایج در میان زرتشتیان، دیگر آنان را زرتشتی نمی‌توان به حساب آورد. نگارنده مقاله مذکور بر این نظر است که احتمالاً شخصی با نام آذرکیوان وجود خارجی ندارد (۱۳۸۷: ۱۷) و کتاب دساتیر برای نخستین بار توسط سرجان ملکم نماینده کمپانی هند شرقی و زمان ورود او به ایران در دوره فتحعلی‌شاه وارد ایران و گفتمان تاریخ‌نگارانه دگراندیشان شده است. (همان) "گذر از چپ و راست؛ مکتب ایران و مانیفست جدید اصحاب سیاست" از مظفر نامدار عنوان نگارشی دیگر است که مطالبی متفاوت در خصوص آذریان با نگارش‌های دیگر دارد. نامدار عنوان دارد نظرات آذرکیوانیان دارای قرائت‌هایی قوم‌گرایانه است. (۱۳۸۹: ۴۶) او بر این نظر است که اختلاط تفکرات دینی متفاوت در متون دساتیری و اندیشه آذریان باعث گردید بسیاری از گفتار آنان با یکدیگر متضاد گردد. (همان) در مقاله مذکور به نقش انگلیس در "مذهب‌سازی قومیت‌گرا" و نقش سرجان ملکم انگلیسی اشاره شده و عملکرد آذرکیوانیان "در راستای ایدئولوژی قومیت‌گرا" معرفی گردیده و از نظر نگارنده دساتیر آسمانی همان کتاب "آسمانی بومی" دانسته شده است. (همان: ۵-۴۰) همچنین در آثاری چون "نظریه توطئه"،



صعود سلطنت پهلوی و تاریخ‌نگاری جدید در ایران از عبدالله شهبازی مطالبی در خصوص نامه‌نگاری‌های شخصی با نام نریمان خطاب به اقبال لاهوری در خصوص جعلی بون متون دساتیر و نقش انگلستان در ترویج این متون درج شده است. (۱۳۷۷: ۱۱۰-۱۵۹) در کتاب ترفند پیغمبرسازان و دساتیرآسمانی که مجموعه گزارشی از علی اصغر مصطفوی است نیز از جعلی بودن متون دساتیر به ویژه دساتیر آسمانی سخن به میان آمده و ۱۶ نامه مندرج در دساتیرآسمانی با رویکردی انتقادی مورد بررسی قرار گرفته است.

در برخی دیگر از مقالات مانند "تاریخ پردازی و ایران آرایی: بازسازی هویت ایرانی در گزارش تاریخ" از توکلی طرقي به گونه‌ای ستایش گرایانه، تاریخ‌سازی آذریان مورد تحلیل قرار گرفته است. در آن مقاله اقدام آذرکیوانیان در تحلیل تاریخ ایران، جایگزینی "تاریخ‌نگاری ایران‌مدار" به جای "تاریخ نویسی اسلامی" تلقی شده (۱۳۷۳ الف: ۵۸۴) و به مسأله "زمانه پردازی" در تفکرات آذریان پرداخته شده است (همان: ۵۸۸). نگارنده در مقاله خود اشاره دارد از نظر آذریان "کیومرث انسان نخستین و نخستین پادشاه عالم و نقطه آغازین تاریخ ایران و جهان" است (همان: ۵۸۹)؛ امری که تنها با تأکید بر کتاب شارستان چهارچمن صدق پیدا می‌کند و با ظهور شخصی به نام مه‌آباد در دبستان المذاهب مورد تضاد گفتاری قرار می‌گیرد. همچنین توکلی طرقي اشاره دارد ظهور متون دساتیری "آغازگر جنبش باز زایی ایران" بوده و شیوه تاریخ‌نگاری آذریان نشانی از "فرهنگ ورزی و تاریخ پردازی" آنان بوده است. (همان: ۵۸۹) در آن مقاله "بازگشودن نکات و رویدادهای نهفته در متون تاریخی آذرکیوانیان زمینه گسست ایران از اسلام و فراپردازی هویتی نو" برای ایرانیان دانسته شده است (همان: ۵۹۵)؛ حال آن که آذریان بسیاری از اصول خود را از مبانی اسلامی اخذ کرده‌اند و به عکس به نظر می‌رسد در تلاش بوده‌اند برخی از عقاید خود را به هر دلیل، اسلامیزه



نمایند. توکلی در انتها اشاره دارد آثار متعدد تاریخی مانند نامه خسروان، فرازستان، آیین سکندری، نامه باستان، تاریخ ایران و تاریخ سلاطین ساسانی به همراه درالتیجان فی تاریخ بنی اشکان، از متون دساتیری تأثیر پذیرفته‌اند (همان: ۵۹۶)؛ امری که صحت آن برای تمامی کتبی که توکلی در مقاله خود از آنان نام می‌برد صدق تاریخی ندارد. مقاله "گزیده شارستان" متنی دیگر از توکلی طرقي در خصوص آذرکیوانیان است. در این مقاله که نگارنده از همان ابتدا رویکرد مثبت خود را در قبال اقدامات آذرکیوانیان مطرح می‌نماید، نگرش آذرکیوانیان در قالب رویکرد "ایران‌ستایی" و "فارسی‌مداری" معرفی شده است. (۱۳۷۳ب: ۷۳۵) در این مقاله، اقدامات آذرکیوانیان، "جنبش" نامیده شده، جنبشی که "بازاندیشی و بازپردازی فکر ایرانی" را با خود به همراه داشته است. (همان) در مقاله مذکور اشاره شده است آذرکیوان و یارانش فلسفه‌ای نو زرتشتی در پیوند با حکمت اشراق اسلامی پی افکنده‌اند. (همان: ۷۳۶)

"آذرکیوان" نوشته فتح الله مجتبابی، این مقاله در دایره المعارف بزرگ اسلامی ذیل کلمه آذرکیوان منتشر شده است. در این مقاله ابتدا به نسب شناسی آذرکیوان پرداخته شده و در ادامه در تحلیل شرایط هند به نقش اکبر شاه گورکانی و دین سازی و ابداع دین الهی توسط اکبرشاه به عنوان عامل مهم در دلیل مهاجرت آذرکیوان به هند اشاره شده است. (مجتبابی، ۱۳۶۷: ۲۴۸/۱) مقاله "زندگی نامه آنکتیل دوپرون" از مسعود رجب‌نیا که در پیوست نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان منتشر شده است دیگر منبعی می‌باشد که به مسأله آذرکیوانیان است. در این مقاله بیشتر به علاقه کمپانی هند شرقی به در اختیار داشتن حوزه مطالعاتی عقاید زرتشتی پرداخته شده است. در این مقاله به تحلیل افکار آنکتیل دوپرون، سیاح فرانسوی و روابط او با موبدان زرتشتی پرداخته شده است. (۱۳۵۱: ۵) در مقاله مذکور به پژوهش‌های اوستایی و مطالعات

زرتشتی‌گرایانه دوپرون و آشنایی او با برخی متون دساتیری اشاره شده و به موضوع نزاع او با انگلیسی‌ها بر سر حوزه مطالعات متون پهلوی شناسی توجه شده است (۱۳۵۱: ۱۲)؛ امری که نشان دهنده اهمیت حوزه مطالعات زبان پهلوی و متون زرتشتی برای انگلیسی‌ها به ویژه کمپانی هند شرقی می‌باشد. "آذریکیوان و پیروان او" عنوان مقاله‌ای است که توسط محمد معین به نگارش درآمده است. در آن مقاله، مهاجرت آذریکیوان و پیروان او در زمان شاه عباس صفوی معرفی شده است. (۱۳۳۶: ۲۵) از نظر نگارنده، دلیل مهاجرت آذریکیوانی که داعیه ایجاد "آیین و دینی" نوین داشتند، از یک سو تعصب‌های مذهبی در ایران عصر صفوی بوده و از دیگر سو تساهل مذهبی بابریان، کوشش آنان برای ایجاد دینی جدید با نام "توحید الهی" و حضور پارسیان هند معرفی شده است. (همان: ۶-۲۵) معین در نگارش خود با رویکردی انتقادی نسب نامه آذریکیوان را ساختگی معرفی کرده (همان: ۲۷) و اختلاف آن نسب نامه را با "سنت زرتشتی منقول در بندهشن" در رابطه با این امر که موبدان زرتشتی باید از نسل "اید واستر" پسر بزرگ زرتشت باشند مورد بررسی قرار داده است. (همان: ۲۷). در مقاله مذکور به معرفی برخی علاقه‌مندان زرتشتی، مسلمان، یهودی و مسیحی آذریکیوان پرداخته شده است.

آذریکیوان

آذریکیوان نام مؤسس فرقه آذریکیوانی، آذریکیوانیه یا آذریان است. بر اساس متون پیروان و شاگردانش، او از زرتشتیان مقیم شیراز بوده (بهرام بن فرهاد، ۱۲۲۳ق: ۲۵۱) که در اوایل سده ۱۱ هجری قمری با برخی از شاگردانش به هند مهاجرت کرده و در شهر پتنه ساکن شده است. (بی‌نام، بی‌تا: ۶۷) آگاهی از شخصیت و احوال شخصی او تنها در متون دساتیری درج شده که مطالب آن بسیار جانبدارانه، افسانه‌ای و اغراق آمیز می‌باشند. در این متون برای او نسب نامه‌ای ساخته‌ای درست شده است. بر اساس



این نسب نامه آذرکیوان را با هفت واسطه به ساسان و پس از آن به سلسله کیانی و کیومرث متصل می‌کنند. (همان: ۲۶) در این نسب نامه نام پدر او هم نام آتشکده آذرگشنسب است و مادر او نیز از نسل خسرو انوشیروان می‌باشد. (همان). در دیگر متون دساتیری مانند دبستان المذاهب که توسط پیروان و هم فکran او نیز به نگارش درآمده است، نسب نامه او همانند آن چیزی است که در شارستان چهارچمن ذکر است.

متون دساتیری

متون دساتیری به مجموعه‌ای از نگارش‌هایی گفته می‌شود که توسط آذرکیوانیان^۵ پیروان آذرکیوان - نوشته شده است. نگارندگان آن آثار، ایرانیانی بوده‌اند که با داشتن گرایش‌های زرتشتی در دوره صفویه و در دوران قدرت شاه عباس به هند مهاجرت کرده‌اند (Corbin, 1989:183)، مهاجرتی که پیشینه تاریخی‌اش را در "قصه سنجان" که نمادی از مهاجرت نخستین زرتشتیان ایران از راه خراسان به سرزمین هند به عنوان دوم زادبوم ایرانیان بر اثر حمله اعراب بوده است می‌توان جست و جو نمود. در این مهاجرت آذرکیوان و پیروانش هند و شهر پتنه را انتخاب نمودند؛ دلیل این انتخاب نیز تساهل و تسامح مذهبی در هند و وجود عقاید عرفانی در شهر پتنه ذکر شده است. (معین، ۱۳۳۶: ۲۶) در این بین به نقش اندیشه‌های پادشاه هند، اکبر شاه گورکانی نیز باید توجه نمود. اندیشه‌هایی که از منظر او امری مینوی را در هسته مرکزی و نقطه گاه آغازین تمامی ادیان نشان می‌داد و همین امر باعث تساهل گرایی دینی او در قبال تعصب‌گرایی‌های مذهبی شده بود. این مقاله با بررسی تحلیل و موضوعی برخی متون دساتیری به دسته‌بندی جدول ذیل رسیده است.

جدول موضوعی متون دساتیری

نام کتاب	موضوع	نخستین زمان نگارش (فراروایتی)	توضیحات
خویشتاب	اثبات وجود خدا	خسرو پرویز ساسانی	این کلمه نام آتشکده‌ای است که بدون هیزم می-سوزد.
زرتشت افشار	اثبات وجود خدا	هرمزد پسر انوشیروان ساسانی	مندرج در کتاب آیین هوشنگ (گردآوری مانکجی)
زنده رود	روح و حقیقت انسانی	خسرو پرویز ساسانی	مندرج در کتاب آیین هوشنگ (گردآوری مانکجی)
زوره باستانی	مبدأ و معاد هستی	خسرو انوشیروان	نوعی اوستای خیالی است و مندرج در کتاب آیین هوشنگ (گردآوری مانکجی)
شارستان چهارچمن	تاریخ ایران قبل از اسلام	نا معلوم	نگارنده کتاب رویکرد یک صوفی مسلمان را دارد.
دساتیر آسمانی	نامه پیامبران	دوران ماورائی	نامه پیامبران خیالی با رویکرد فراروایتی



پردازش دوم آن در قرن دهم است.	نامعلوم	مکاشفات عرفانی آذرکیوان	جام کیخسرو
-------------------------------	---------	-------------------------------	---------------

نگرش‌های موجود در متون دساتیری

اصلی‌ترین نگرش موجود در متون دساتیری، تاریخ‌سازی و بازآفرینی تاریخی است. نخستین پردازش‌های تاریخی به تاریخ و اشخاص ایران باستان تا قبل از ظهور جریان آذرکیوانیان را می‌توان در دو دسته از متون یافت. دسته نخست متون تاریخی است که از قرن سوم تا هفتم توسط ایرانیان مسلمان به نگارش درآمده است که از آن جمله تاریخ طبری، فارسنامه ابن بلخی و تاریخ یعقوبی و آثار کسانی چون سعدی را می‌توان نام برد. در این کتب گرچه تاریخ با خلقت آدم ابوالبشر و هبوط آغاز می‌شود اما به اساطیری چون کیومرث، فساد انگیزانی چون ضحاک، شورش‌گرانی چون مزدک و پادشاهان عدالت‌گستری چون انوشیروان نیز توجه می‌شود. دسته دیگر متونی است که توسط زرتشتیان در قرون سوم هجری به بعد نوشته شده است. متونی چون زند و همن یسن، مینوی خرد، اندرز اوشنر دانا و اندرزهای آذربادمهرسپندان. آثاری که هر چند پیشینه شفاهی در دوران ساسانیان دارند اما اندیشه مکتوب شدنشان پس از حمله اعراب به ایران و هراس از فراموش شدنشان است. وجه شباهت این آثار در این است که هر دو گروه تحت تأثیر باورهای متون پهلوی در رابطه با اشخاصی چون ضحاک، مزدک و انوشیروان، مطالبی را در خود جای داده‌اند.

در این بین نخستین پردازش‌های تاریخی به تاریخ ایران باستان در قالب بازپردازی وقایع، زمانه و شخصیت‌های اساطیری را باید در متون دساتیری جست و جو نمود. در سیر تاریخ‌پردازی به وقایع ایران باستان پس از حمله اعراب، متونی چون دبستان المذاهب، دساتیر آسمانی و شارستان چهار چمن وجود دارد که بازپردازی‌های

تاریخی را در خود جای داده‌اند. این متون که توسط پیروان آذرکیوان به نگارش درآمده است، تلفیقی از اندیشه‌های زرتشتی، بودایی و عرفانی را با خود به همراه دارند. (معین، ۱۳۳۶: ۳۶) در این بین به تأثیر پذیری آنان به فلسفه اشراق و گرایش‌های تشیع‌گرایانه را نیز باید در آثار آنان مورد توجه قرار داد.

در این متون دساتیری، زمانه تاریخی، بدل به زمانه پردازی ملی گرایانه با محوریت ایران‌گرایی می‌شود، سلسله‌های نوظهوری چون آبدیان و آجامیان زایش پیدا می‌کنند، ترتیب حکومت‌های ایران باستان دچار بازآفرینی می‌شود، برخی شخصیت‌های تاریخی مانند مه‌آباد برای نخستین بار ظاهر می‌شوند و بازپردازش تاریخی نسبت به اشخاصی چون اسکندر ایجاد می‌شود. نگارندگان این متون هدف خود از نگارش‌های دساتیری را این می‌دانند که «طالبان را بر آیین و روش پیشینکان و کیش و کنش دیرینه خسروان دریافت بدرستی حاصل شود». (بهرام بن فرهاد، ۱۲۲۳ق: ۱۳)

مسأله زمانه پردازی

زمانه پردازی به معنای تغییر رویدادهای تاریخی در نگرش فراروایت تاریخی است. در حقیقت این اصطلاح در معنای جعل و ساختن زمان برای رویدادهای جعلی است که کاربردش در مسأله فراروایت تاریخی می‌باشد. براساس بازپردازش‌های زمانی در این آثار زمانه تاریخ اساطیری ایران در این متون تغییر می‌کند و سلسله "مه‌آبادیان" نخستین سلسله‌ای معرفی می‌شوند که در ایران حکومت می‌کنند. (بی‌نام، بی‌تا: ۱۶) حال آن که پیش از این بازپردازش، پیشدادیان نخستین سلسله حکومتی در ایران بوده‌اند. همچنین "کیومرث" که پیش از این به عنوان نخستین پادشاه^۵ انسان تلقی می‌شد، زیر مجموعه سلسله گلشائیان قرار می‌گیرد که پس از مه‌آبادیان به قدرت رسیده‌اند و "پیشدادیان" [،] کیان [،] اشکانیان [و] ساسانیان "چهار طبقه آن سلسله به حساب می‌آیند. (همان: ۲۰)



در بازپردازی تاریخی، این آثار در تلاش‌اند تا به "نزاع عرب و عجم در سبقت آدم و کیومرث" (بهرام بن فرهاد، ۱۲۲۳ق: ۱۴) پاسخ دهند. براین اساس در چمن نخست از شارستان چهارچمن اشاره شده است "در نزد پارسیان و سکن ایران که بر همان طریق قدیم ثابت‌اند، ابنای پارس افضل مخلوقات اند هم به وجود عقلی و نقلی و حسنی" (همان: ۵۴). در کتاب مذکور، "پارسیان اعدل انواع" بشر معرفی می‌شوند که بر "جماهیر اقوام"، "تفضیل" دارند (همان: ۶۵). در این رابطه برخی متون دساتیری "پدر عجم" را کیومرث (همان: ۱۴) و برخی دیگر چون دبستان المذاهب، مه آباد معرفی می‌کنند. (بی‌نام، بی‌تا: ۱۶) در این تاریخ پردازی، "حضرت بزرگ آباد" از نظر زمانی متقدم بر آدم ابوالبشر است (بهرام بن فرهاد، ۱۲۲۳ق: ۱۴) و اشخاصی چون نوح و ابراهیم، پیامبران سامیان‌اند (همان: ۱۵) و عجم را پیامبرانی شانزده‌گانه، جدا از سامیان است. (بی‌نام، ۱۲۷۸ق: ۶-۲۵)

شخصیت پردازی‌ها

در پردازش شخصیت‌ها نیز "مه آباد" به عنوان نخستین فرمانروای پیامبر منش ظهور می‌کند و پادشاهان اساطیری چون "سیامک و هوشنگ و طهمورس و جمشید و منوچهر و کیخسرو" در قالب پیامبرانی از نسل کیومرث معرفی می‌شوند. (همان: ۲۰) همچنین در این متون شخصیت‌هایی چون ضحاک، اسکندر، مزدک و انوشیروان اشخاص چهارگانه‌ای به جز مه‌آباد هستند که برخی تحلیل‌های تاریخی متفاوت با منابع تاریخی پهلوی مانند زنده‌یمن یسن و مینوی خرد در مورد آنان ارائه شده است. به طور نمونه در دساتیر آسمانی، اسکندر مقدونی در قالب یکی از رسولان شانزده گانه معرفی شده است. (بی‌نام، ۱۲۷۸ق: ۱۱۷) در دبستان المذاهب نیز تمام شاهان ایران باستان جز ضحاک، دادگر معرفی می‌شوند. در این کتاب در باره ضحاک عنوان شده است "از آغاز دولت مه‌آباد تا انجام حکومت یزدکرد جز از ضحاک بیشتر بلکه

سراسر این برگزیده فرقه داد آئین و عدالت و شعار و پرهیزکار و جامع کفتار [گفتار] و کردار بودند" (بی‌نام، بی‌تا: ۲۰). در دساتیر آسمانی نیز ضحاک، "ده اک تازی" معرفی شده است که "بدکاریهای بزرگ" او، قتل پدرش مرداس، قتل جمشید و آبتین است. (بی‌نام، ۱۲۷۸ق: ۷۷) در رابطه با شخصیت مزدک نیز آن چه در دبستان المذاهب گفته می‌شود از مباح بودن اموال مردم تا اشتراک در زنان، همگی سخنانی از پیش گفته شده همانند مطالب موجود در متون پهلوی در قالب مخالفت با مزدک می‌باشد. در دساتیر آسمانی نیز مزدک "دهم گمراه کننده" در دوران پیامبری ساسان است که "زنان و سامانها" را در هم آمیخته و باعث رذالت شده است. (همان: ۱۴۹) شخصیت انوشیروان، دیگر شخص پردازش شده در این متون است. در رابطه با پردازش شخصیت انوشیروان، این متون همان راهی را در بر می‌گیرند که متون زرتشتی و پهلوی در تکبیرگویی و ستایش او در برگرفته‌اند. در این متون اشاره شده است:

«از محاسن اخلاق او چندان به نظر رسید که در تحریر و تقریر نیاید ازینجا قیاس توان کرد که اثار عدل و رافت [رافت] او بر صحیفه اذکار باقیست و ذکر پاس و سیاسته او در صدور تواریخ مبسوطه پارسی و تبع تازییه مثبت تا به حدی که سلاطین عالم را در نیکوکاری و عدل تشبیه باو کنند». (بی‌نام، بی‌تا: ۶۰۲)

همچنین وجه دیگر شخصیت مثبت او به دلیل قتل مزدک است. بر اساس این متون، انوشیروان برای جلوگیری از "بدکار" شدن مردم، مزدک و مزدکیان را به قتل رسانده است. (بی‌نام، ۱۲۷۸ق: ۱۴۹) در رابطه با شخصیت انگاری‌های پرداخته شده در متون دساتیری باید اشاره داشت در برخی از این متون مانند دبستان المذاهب، ضحاک دارای شخصیتی منفی است، از مزدک سخنی به میان نیامده است و انوشیروان نیز



نمادی از دادگری و عدالت گستری است. در دساتیر آسمانی نیز جایگاه انوشیروان همان جایگاه موجود در دبستان المذاهب را دارد و ضحاک و مزدک نیز هر دو اشخاصی عصیان گر و یاغی هستند.

با این حال حضور آذرکیوانیان در هند و روابط مسالمت آمیز آنان با گورکانیان باعث گردید آنان به پردازشی بازآفرینانه از تاریخ، اساطیر و روایات ملی ایران پردازند که دلیل سوق دادن بسیاری از تجددطلبان و ملی گرایان دوره قاجار به بازاندیشی در تاریخ ایران شد.

متون دساتیری، بازآفرینی تاریخی و تاریخ نگاری دوره قاجار

نخستین پردازش های تاریخ ایران باستان توسط مورخان اسلامی مربوط به قرن سوم هجری قمری است، زمانی که اشخاصی چون طبری به وقایع نگاری تاریخی می پردازند؛ پس از او دیگر نویسندگان مانند استخری، ابن بلخی و یعقوبی مواردی را از تاریخ ایران باستان مطرح می سازند. وجه مشترک تمام این نگارندگان در این است که همگی آن ها با این که به ارائه گزارشی از تاریخ ایران باستان پرداخته اند، رویکردی دینی به تاریخ داشته و در پرداختن به مسأله آغاز تاریخ، تاریخ دینی را بر تاریخ اساطیری متقدم دانسته اند. در این گزارش ها "خلقت آدم تا به وقت هجرت پیمبر" و خلقت "آدم ابوالبشر" معیار آغاز تاریخ قرار می گیرد. (طبری، ۱۳۵۲: ۹ / ۱)

پس از آغاز این پردازش تاریخی، نخستین بازپردازی و پردازش مجدد به تاریخ اساطیری ایران در دوره صفویه اتفاق می افتد. در قرون ۱۰ و ۱۱ هجری قمری، با ظهور جریان آذرکیوانیه در هند، پردازشی دگراندیشانه از تاریخ ایران باستان به نگارش در می آید. آذرکیوانیان که پیروان آذرکیوان می باشند به ایجاد شیوه جدید در نگرش و تحول در نگارش سلسله های تاریخی، دگرگونی در ترتیب، آغاز و فرجام سلسله های تاریخ ایران باستان می پردازند. در این تحول تاریخی در آثاری که با نام متون

دساتیری در نگرش های تاریخ معرفی می شوند از سلسله های جدید و فرا روایتی مانند "آذریان" (بهرام بن فرهاد، ۱۲۲۳ق: ۱۳) در کنار سلسله هایی چون پیشدادیان، کیانیان، اشکانیان و ساسانیان سخن به میان می آید، همچنین ظهور "مه آبادیان" و "خسروان گلشائی" (بی نام، بی تا: ۱۸-۱۶) نمونه های دیگری از این بازپردازی های تاریخی در متون دساتیری است.

این نوع خاص از تاریخ نگاری و روایت تاریخی از اساطیر و ادوار تاریخی ایران باستان، بر تاریخ نگاری دوران بعد از خود مانند تاریخ نگاری دوران قاجار به دلیل نگارش آثاری چون تاریخ ایران اثر سرجان ملکم، انتقال برخی متون دساتیری به ایران توسط مانکجی با عنوان آیین هوشنگ که تلفیقی از چند متن دساتیری بود (ماکجی، ۱۲۹۶ق: ۳) و ارتباط او با تاریخ نگاران ایران گرایی چون جلال الدین میرزا و عرب ستیزان اسلام گریزی چون آخوندزاده (آخوندزاده، ۱۳۵۷: ۲۲۳) نیز تأثیر گذاشت. این موارد باعث گردید آخوندزاده از "مهبادیان" (همان) سخن گوید، میرزا آقاخان کرمانی در آیین سکندری آغاز تاریخ ایران را با روی کار آمدن "مه آباد" بداند (

کرمانی، ۱۳۸۹: ۲۰-۱۰) و جلال الدین میرزا نیز در نامه خسروان به بررسی اوضاع تاریخی ایران از دوره مه آبادیان عصر ساسانیان بپردازد. بر خلاف منابع تاریخ اسلامی مثل تاریخ طبری و تاریخ مسعودی، که ادوار تاریخی بر اساس توالی ظهور انبیاء و پیامبران ابراهیمی بنا گردیده است، در تاریخ نگاری دوره قاجار که مبتنی بر تاریخ سازی دساتیری بود، محور تحولات، روایات ملی و تاریخ ایران پیش از اسلام است. در این نگرش تاریخی به جای محوریت انبیاء، شاهان ایران باستان محور تحلیل زمان قرار گرفته اند و اشخاص اساطیری مانند کیومرث و اشخاص فرا تاریخی مانند مه آباد از نظر زمانی بر آدم ابوالبشر تقدم زمانی یافته اند. در این متون حتی در مورد تاریخ ظهور پیامبر اسلام (ص) سخنی قابل اعتنا نیز مطرح نمی شود.

نتیجه‌گیری

آذریکیوانیان یا همان آذریان که پیروان آذریکیوان می‌باشند، گروهی هستند با عقاید تلفیقی که در دوره صفویه از ایران به هند مهاجرت کرده‌اند. آذریان با اقامت در هند و شهر پنته به نگارش آثار خود که موسوم به متون دساتیری است روی آورده و اندیشه‌های خود را در آن متون منعکس کرده‌اند. آذریان در آثار خود توجهی شاخص به تاریخ ایران داشته و به برخی امور مانند تاریخ‌سازی و بازآفرینی تاریخی نسبت به وقایع، افراد و اندیشه‌های سیاسی ایران باستان پرداخته‌اند. آن‌ها در تاریخ‌سازی‌های خود که بیشتر در آثاری چون دبستان المذاهب وجود دارد به جعل تاریخ پرداخته، از سلسله‌های ساختگی چون آبدیان، آجامیان، گلشائیان و اشخاص ساختگی چون مه-آباد سخن به میان آورده‌اند. همچنین در متونی چون دساتیر آسمانی نیز به بازآفرینی تاریخی روی آورده و با اتخاذ رویکرد دگردیسی در جایگاه تاریخی اشخاص، کسانی چون اسکندر مقدونی را به عنوان یکی از پیامبران آسمانی در ایران باستان معرفی نموده‌اند.

همچنین به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین مسائل در متون دساتیری، نگرش زمانه‌پردازی می‌باشد. در این متون زمانه‌مه‌آباد به عنوان سر سلسله یک دوره تاریخی خیالی و یک شخصیت فراروایتی بر زمانه آدم ابوالبشر به عنوان شخصیتی دارای رویکردهای اسلامی، متقدم است و پیشینه تاریخی ایرانیان از تمانی اقوام به ویژه سامیان طولانی‌تر. در خصوص مسأله تأثیرگذاری روش‌های تاریخ‌سازانه آذریکیوانیان بر تاریخ‌نگاری ایران در ادوار بعدی نیز باید اشاره داشت، در دوره قاجار به دلیل برخی اقدامات کمپانی هند شرقی و اشخاصی چون سرجان ملکم و همچنین حضور مانکجی و ارتباط او با برخی دگراندیشان مانند آخوندزاده و جلال‌الدین میرزا، تاریخ‌سازی آذریان در گفتار و نوشتار این روشنفکران در قالب توجه به تاریخ



اساطیری ایران، شکوه ایران باستان و اخذ رویکرد ایران‌گرایانه و شوونیزم در شکل عرب‌ستیزی اسلام‌ستیزی مورد استفاده قرار گرفته است.

منابع

آبادیان، حسین (۱۳۸۷). «روایت و فرا روایت تاریخی در اندیشه جلال‌الدین میرزا قاجار»، فصلنامه فرهنگ، ش ۶۸.

آخوندزاده، میرزافتحعلی (۱۳۵۷). الفبای جدید و مکتوبات، به اهتمام حمید محمدزاده، تبریز: احیاء.

بهرام بن فرهاد بن اسفندیار (۲۲۳ق). شارستان چهار چمن، بمبئی: بی‌نا.

بی‌نام (۱۲۷۸ق). دساتیر آسمانی، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۷۴۷۴.

بی‌نام (بی‌تا). دبستان المذاهب، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی ۲۸۴.

بیگدلو، رضا و محمدعلی اکبری (۱۳۸۹). «تبارشناسی جریان‌های فرهنگی در ایران معاصر»، فصلنامه تاریخ ایران، ش ۶۵.

توکلی‌طرقی، محمد (۱۳۷۳الف). «تاریخ پردازی و ایران‌آرایی: بازسازی هویت ایرانی در گزارش تاریخ»، در ایران‌نامه، ش ۴۸.

_____ (۱۳۷۳ب). «گزیده: شارستان»، ایران‌نامه، شماره ۴۸.

رجب‌نیا، مسعود (۱۳۵۱). «زندگی نامه آنکتیل دوپرون»، پیوست نشریه انجمن فرهنگ ایران باستان، سال ۱۱، ش ۲.

شهبازی، عبدالله (۱۳۷۷). نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی و تاریخنگاری جدید در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.





طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). *تاریخ الرسل و الملوك*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۱، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

کرین، هانری (۱۳۹۱). *اسلام ایرانی*، مجلد ۱ و ۲، ترجمه انشاء الله رحمتی، تهران: نشر جامی.

کرمانی، میرزا آقاخان (۱۳۸۹). *آیین سکندری*، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران: چشمه.

مانکجی (گردآورنده) (۱۳۹۶ق). *آیین هوشنگ*، نسخه موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره بازیابی: ۲۶۵/۷۷.

مجتبایی، فتح الله (۱۳۶۷). «آذرکیوان»، *دایره المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

مصطفوی، علی اصغر (گردآورنده) (۱۳۷۰). *ترفند پیغمبرسازان و دساتیر آسمانی*، تهران: ندا.

معین، محمد (۱۳۳۶). «آذر کیوان و پیروان او»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران*، ش ۳۹.

نامدار، مظفر (۱۳۸۹). «گذر از چپ و راست: مکتب ایران و مانیفست جدید اصحاب سیاست»، *نشریه ۱۵ خرداد*، سال ۷، ش ۲۵-۲۴.

Corbin, Henry (1989). "Zar Kayv n", *Encyclopedia Iranica*, vol III, London: Routledge & Kegan Paul.